

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده زبانهای خارجی
گروه زبانشناسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبانشناسی همگانی

بررسی جنبه‌های دستوری و کاربرد شناختی پدیده‌ی اشاره در زبان فارسی

استاد راهنما:
دکتر محمد عموزاده

استاد مشاور:
دکتر منوچهر توانگر

۱۳۸۸ / ۱۰ / ۲۷

کتابخانه مرکزی
تعمیرات

پژوهشگر:
فاطمه بهرامی

شهریورماه ۱۳۸۸

۱۲۹۸۶۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

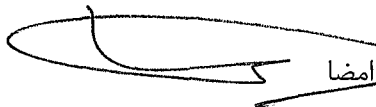
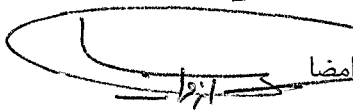
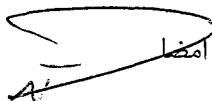
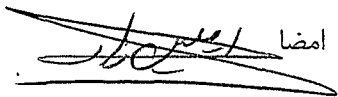


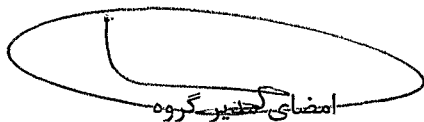
دانشگاه اصفهان
دانشکده زبانهای خارجی
گروه زبانشناسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبانشناسی همگانی
خانم فاطمه بهرامی تحت عنوان

بررسی جنبه‌های دستوری و کاربرد شناختی پدیده اشاره در زبان فارسی

در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- | | | | |
|---|---------------------|--------------------------|------|
|  | دکتر محمد عموزاده | با مرتبه‌ی علمی دانشیار | امضا |
|  | دکتر منوچهر توانگر | با مرتبه‌ی علمی دانشیار | امضا |
|  | دکتر والی رضائی | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضا |
|  | دکتر احمد معین‌زاده | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضا |


امضای اعضای گروه

سپاسگزاری

سپاس بیکران پروردگار عالم را که از امور دنیوی مرا به فضیلت علم‌اندوزی آگاه و به توفیق دانش‌آموزی مفتخر گردانید.

اکنون که کار نگارش این پژوهش پایان پذیرفته است بر خود واجب می‌دانم از محضر اساتید محترم و ارزشمندی که افتخار شاگردی آنان نصیبم گردید سپاسگزاری نمایم. از اساتید ارجمند جناب آقایان دکتر عموزاده و دکتر توانگر که بر من منت نهاده و زحمت راهنمایی و مشاوره این پایان‌نامه را متقبل شدند صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین مراتب قدردانی خود را تقدیم محضر تمامی اساتیدی که در خدمت آنان به شاگردی نشستم کرده و آرزومند بهروزی، توفیق روزافزون و عمر با عزت برای تک تک آنان می‌باشم.

تقدیم به

پدر، مادر، همسر و نیلوفر

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف جنبه‌های دستوری و کاربردشناختی پدیده اشاره در زبان فارسی است و به طور خاص به دنبال پاسخگویی به دو سؤال زیر است:

(۱) جنبه‌های دستوری و کاربردشناختی پدیده اشاره در زبان فارسی چگونه است؟

(۲) تا چه حد کاربرد عبارات اشاره‌ای جنبه فرهنگی و کلامی دارد؟

اساس این پژوهش بر مبنای چارچوب نظری لوینسن، فیلمور و لاینز بنا شده است. به دلیل همپوشی گسترده دیدگاه آنان، در تعیین چارچوب نظری نمی‌توان یکی را بدون دیگری در نظر آورد، اما از آنجا که بررسی‌های لوینسن به صورت تکمیلی و در راستای مطالعات فیلمور و لاینز صورت پذیرفته، طبیعی است که دارای نقش برجسته تری باشد. بر این اساس پنج دسته اشارات شخصی، مکانی، زمانی، اجتماعی و کلامی در زبان فارسی به صورت اجمالی توصیف شده و سپس مورد تحلیل و بررسی کاربردشناختی قرار می‌گیرند.

داده‌های زبان فارسی در قالب پاره‌گفت‌ها و تعاملات روزمره به صورت گفتاری و نوشتاری ضمن معرفی بافت تحلیل می‌شوند. به دلیل وسعت حوزه مورد مطالعه، بررسی اشاره تنها به پاره‌گفت‌های تعاملی و غیرروایی محدود می‌شود و پاره‌گفت‌های نقل قول غیرمستقیم در ساختارهای روایی را در برنمی‌گیرد. همچنین تفاوت‌های احتمالی بین گونه‌ها مدنظر محقق نمی‌باشد. از آنجا که مطالعات وسیعی در حوزه اشاره بر روی زبان انگلیسی صورت پذیرفته به منظور پاسخگویی به سؤال دوم عمدتاً شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین این زبان و زبان فارسی مطرح می‌شود و چنانچه اطلاعاتی در مورد چگونگی وضعیت مورد بحث در سایر زبانها در دست باشد به آنها نیز اشاره می‌شود.

برخی نتایج حاصل از این مطالعه بدین شرحند: اشارات شخصی دارای جنبه‌های دستوری و کاربردشناختی متفاوتی هستند. ضمیر اول شخص جمع با توجه به بافت موقعیتی یا زبانی می‌تواند به صورت انحصاری یا فراگیر درک شود. استفاده از ضمایر منفصل بیانگر نوعی تأکید می‌باشد و گوینده از به کارگیری آن هدف کاربردشناختی خاصی دارد. در کاربرد نامتقارن ضمیر "ما" اهدافی از قبیل تواضع، بیان قدرت، همراه ساختن مخاطب با خود و مانند آن دارد.

اشارات زمانی به فراخور بافت به صورت مدت‌دار یا لحظه‌ای دریافت می‌شوند. در استفاده از ضمایر اشاره "این" و "آن" به همراه ایام هفته و تلقی سخنگویان از مفهوم اشاری آنها بین فرهنگ‌های مختلف تفاوت وجود دارد. زمان گذشته دستوری در زبان فارسی می‌تواند به منظور بیان فاصله اجتماعی به کار رود و یا به آینده متقن اشاره نماید. گاهی زمان حال بیانگر نزدیکی در حوزه ذهنیت است. ساختارهای شرطی دارای زمان حال به رویدادهای دور از واقعیت کنونی اشاره می‌کنند که احتمال وقوع دارند. از دیگر جنبه‌های کاربردشناختی زمان حال نشان دادن رابطه صمیمانه بین گوینده و مخاطب است.

عناصر اشاری مکانی دارای دو کاربرد فیزیکی و نمادین هستند. معمولاً در زبان فارسی استفاده از چارچوب ارجاع درونی یا شیئی - محور ارجعیت دارد. نقش افعال حرکتی از حیث اشاری وسیع بوده و تا حد زیادی جنبه فرهنگی و کلامی دارد. بارزترین اشارات اجتماعی در فارسی در قالب تمایز تویی/شمایی نمود می‌یابد. در چگونگی به کارگیری اصطلاحات خطابی جنبه‌های فرهنگی ملموسی دخیل است.

برخی اشارات کلامی تنها در نوشتار به کار می روند. همچنین گاهی ملاک دوری و نزدیکی در اشارات کلامی در حوزه ذهنیت صورت می پذیرد.

کلیدواژه‌ها : کاربردشناسی، عبارات اشاره‌ای، ارجاع، بافت زبانی، بافت موقعیتی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱-۱	مقدمه..... ۱
۲-۱	شرح و بیان مسأله پژوهشی..... ۲
۳-۱	اهمیت و ارزش تحقیق..... ۳
۴-۱	اهداف تحقیق..... ۴
۵-۱	سؤالات تحقیق..... ۴
۶-۱	کاربرد نتایج تحقیق..... ۴
۷-۱	سازمان‌دهی مطالب..... ۵
	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق
۱-۲	مقدمه..... ۶
۲-۲	منشأ اصطلاح «کاربرد شناسی»..... ۷
۳-۲	پدیده اشاره به عنوان حوزه‌ای از علم کاربرد شناسی..... ۸
۴-۲	انواع اشاره..... ۱۰
۱-۴-۲	اشاره شخصی..... ۱۰
۲-۴-۲	اشاره مکانی..... ۱۰
۳-۴-۲	اشاره زمانی..... ۱۲
۴-۴-۲	اشاره اجتماعی..... ۱۳
۵-۴-۲	اشاره کلامی..... ۱۳
۵-۲	انواع بافت..... ۱۴
۱-۵-۲	بافت زبانی یا هم بافت..... ۱۴
۲-۵-۲	بافت موقعیت..... ۱۵
۳-۵-۲	بافت فرهنگی..... ۱۵
۶-۲	ارجاع..... ۱۵
۱-۶-۲	چارچوب ارجاع مکانی..... ۱۶
۲-۶-۲	چارچوب ارجاع زمانی..... ۲۲
۳-۶-۲	اشاره در نقل قول غیر مستقیم..... ۲۳

عنوان	صفحه
۷-۲ پیشینه تحقیق.....	۲۴
۱-۷-۲ مطالعات خارجی.....	۲۴
۲-۷-۲ مطالعات مربوط به زبان فارسی.....	۳۶
۱-۲-۷-۲ رویکرد سنتی.....	۳۶
۲-۲-۷-۲ رویکرد نوین.....	۴۲
۸-۲ خلاصه.....	۵۴

فصل سوم: روش تحقیق

۱-۳ مقدمه.....	۵۶
۲-۳ روش تحقیق.....	۵۶
۳-۳ بنیان و ابزار تحقیق.....	۵۷
۴-۳ نوع داده‌ها.....	۵۷
۵-۳ محدودیت تحقیق.....	۵۷
۶-۳ مفاهیم اساسی.....	۵۸
۱-۶-۳ کاربرد شناسی.....	۵۸
۲-۶-۳ تحلیل کلام.....	۵۸
۳-۶-۳ عبارات اشاره‌ای.....	۵۸
۴-۶-۳ ارجاع.....	۵۸
۵-۶-۳ بافت زبانی.....	۵۹
۶-۶-۳ بافت موقعیت.....	۵۹

فصل چهارم: بررسی توصیفی و کاربرد شناختی پدیده اشاره در زبان فارسی

۱-۴ مقدمه.....	۶۰
۲-۴ انواع اشاره شخصی در زبان فارسی.....	۶۰
۱-۲-۴ ضمائر منفصل اول شخص (من، ما).....	۶۱
۲-۲-۴ ضمائر منفصل دوم شخص (تو، شما).....	۶۲
۳-۲-۴ ضمائر متصل اول شخص (م، یم، مان) و دوم شخص (ی، ید، ت، تان).....	۶۲
۳-۴ جنبه‌های دستوری و کاربرد شناختی اشاره شخصی در زبان فارسی.....	۶۳
۴-۴ انواع اشاره زمانی در زبان فارسی.....	۶۶
۱-۴-۴ قیود زمان.....	۶۶

صفحه	عنوان
۷۵	۲-۴-۴ زمان دستوری.....
۷۸	۵-۴ انواع اشاره مکانی در زبان فارسی.....
۷۸	۱-۵-۴ قیود مکان
۸۲	۲-۵-۴ افعال حرکتی
۸۶	۶-۴ انواع اشاره اجتماعی در زبان فارسی.....
۸۷	۱-۶-۴ تمایز تویی / شمایی
۸۹	۲-۶-۴ صورتهای خطابی و انتخاب واژگان
۹۳	۷-۴ انواع اشاره کلامی در زبان فارسی
۹۴	۱-۷-۴ اشارات کلامی دارای ضمائر اشاره‌ای
۹۵	۲-۷-۴ کلمات ربطی کلامی
۹۷	۸-۴ خلاصه
فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	
۱۰۰	۱-۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۱۰۶	۲-۵ پیشنهادهایی برای مطالعات آینده
۱۰۷	منابع و مأخذ.....

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۲۲.....	شکل ۱-۲ تقسیم بندی واحدهای زمانی از دیدگاه فیلمور (۱۹۷۵).....
۳۲.....	شکل ۲-۲ کاربردهای متمایز ضمائر اشاره‌ای، برگرفته از لوینسن (۲۰۰۴: ۱۰۸).....
۶۷.....	شکل ۱-۴ طبقه‌بندی قیود زمان از نظر ساختاری براساس از فرخنده (۱۹۹۶) به پیروی از کلاین (۱۹۹۴).....
۷۸.....	شکل ۲-۴ طبقه‌بندی قیود مکان از نظر ساختاری براساس از فرخنده (۱۹۹۶) به پیروی از کلاین (۱۹۹۴).....
۸۹.....	شکل ۳-۴ طبقه‌بندی عناوین خطایی براساس از فرخنده (۱۹۹۶).....
۹۳.....	شکل ۴-۴ طبقه‌بندی ساختاری اشارات کلامی براساس از فرخنده (۱۹۹۶).....

فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

- جدول ۱-۴ انواع ضمائر شخصی در زبان فارسی ۶۱
- جدول ۲-۴ برخی امکانات فارسی‌زبانان ایران برای اشاره به روزهای مختلف هفته نسبت به زمان
کدگذاری ۷۳

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

یکی از حوزه‌های مهم مطالعات زبان‌شناختی، کاربردشناسی است که به بررسی پدیده‌های زبانی از نقطه نظر کاربرد واحدهای زبانی می‌پردازد و هدف آن اساساً درک منظور کاربران زبان است. در حقیقت کاربردشناسی فراتر از ساختارهای دستوری و ظاهری نظام زبان گام برداشته و توجه خود را به مقصود کاربران معطوف می‌دارد. بنابراین هدف اصلی کاربردشناسی مطالعه رابطه میان صورتهای زبانی و کاربران آنهاست.

یکی از پدیده‌های زبانی که می‌تواند از منظر کاربردشناسی مورد تحلیل واقع شود، پدیده اشاره است. اشاره اصطلاحی تخصصی است که برای یکی از اساسی‌ترین اموری که با پاره‌گفت‌ها انجام می‌دهیم به کار می‌رود. این واژه به معنی «اشاره کردن» از طریق زبان است و این عمل به وسیله عبارات اشاره‌ای انجام می‌شود. این عبارات از نظر بار معنایی و منظوری در کلام بسیار غنی هستند و با بررسی آن می‌توان در جهت هویدا کردن قابلیت‌های کاربردشناختی آنها گام برداشت.

۲-۱ شرح و بیان مسأله پژوهشی

عبارتهای اشاره‌ای، حوزه مهمی از مطالعات زبانی در حیطه کاربردشناسی را به خود اختصاص می‌دهند، که مهمترین ویژگی آنها ذهنی بودن و وابستگی شدید به بافت است. این عبارات، علی‌رغم تعداد اندک، کاربرد زیادی در زبان دارند و می‌توانند به امور مختلف اشاره کنند. به عنوان مثال ضمیر اشاره «این» قابلیت اشاره به شخص، مکان، زمان و حتی بخشی از کلام یا متن را دارد. این عناصر زبانی تنها زمانی که در جمله به کار می‌روند و به بافت پیوند می‌خورند، قابل تحلیل و تفسیر می‌باشند. بافت، موجب تشخیص مشارکین در رخداد گفتاری، موقعیت و روابط اجتماعی بین آنها و مکان و زمان پاره گفت می‌گردد. این پدیده را اغلب به عنوان «اشاره کلامی»^۱ توصیف می‌کنند که به جهان خارج یک متن یا کلام ارجاع می‌یابد. وقتی شیء ناآشنایی را می‌بینید و می‌پرسید: «آن چیست؟»، عبارت اشاره‌ای «آن» را به کار می‌برید، تا به چیزی در همان بافت اشاره کنید.

برای تشخیص افراد، از اشاره شخصی (مانند: من، تو)، برای تشخیص مکان از اشاره مکانی (مثل: اینجا و آنجا) و برای تشخیص زمان از اشاره زمانی (از قبیل: اکنون، آن موقع) استفاده می‌شود. تفسیر همه این عبارات وابسته به گوینده و شنونده ای است که بافت مشترکی دارند. در واقع کاربرد اصلی عبارات اشاره‌ای در تعاملهای کلامی‌رو در رو است که در آن پاره گفتی مانند: «من این را اینجا می‌گذارم» به سادگی قابل فهم است. «این» و «اینجا» در بافت و از طریق گوینده قابل تفسیر است. بر فرض مثال ممکن است گوینده، کتاب را روی میز کنار پنجره قرار دهد. «این» به کتاب و «اینجا» به میز کنار پنجره اشاره دارد. بر این اساس یول^۲ (۱۹۹۶: ۱۹)، ترجمه عموزاده و توانگر) اشاره را صورتی از ارجاع می‌داند که به بافت گوینده وابسته است.

نکته حائز اهمیت در مورد پدیده اشاره، ظرائف کاربرد شناختی مستتر در آن است. بدین معنی که عبارات اشاره‌ای همیشه حاوی پیامی بیش از کلام هستند و این اطلاعات در تعاملات روزمره بین مشارکین در رخداد گفتاری، به طور کامل منتقل و دریافت می‌گردند. یول (۱۹۹۶: ۲۱)، ترجمه عموزاده و توانگر) در شرح این موضوع اظهار می‌کند که از دیدگاه اشاره، سوم شخص (بر خلاف اول و دوم شخص) مشارک مستقیم در تعامل اصلی (من - شما) نیست و به علت بیگانه بودن الزاماً فاصله بیشتری با گوینده دارد. در نتیجه، ضمائر سوم شخص در اشاره شخصی جزء صورتهای دور به شمار می‌آیند. استفاده از ضمیر سوم شخص در مواردی که امکان کاربرد ضمیر دوم شخص وجود دارد، روشی برای بیان دوری و ناآشنایی است. در زبان انگلیسی کاربرد ضمیر

1 . verbal pointing

2 . Yule

سوم شخص به جای دوم شخص گاهی به منظور کنایه یا شوخی به کار می‌رود. برای مثال، کسی که در آشپزخانه سخت مشغول کار است، به دیگری که خیلی تنبل است خطاب می‌کند: «آیا حضرت والا قهوه میل دارند؟». از صورت سوم شخص برای غیر مستقیم کردن شکایت پنهان و یا غیر شخصی جلوه دادن یک مسأله نیز استفاده می‌شود، مانند:

یکی بعد از ریخت و پاش نظافت نکرد. (شکایت پنهان)

هر کس باید بعد از ریخت و پاش نظافت کند (غیر شخصی جلوه دادن یک مسأله شخصی)

زمان دستوری نیز دارای مفهوم اشاره است و عموزاده (۲۰۰۶) در بررسی آن در زبان فارسی، معتقد است در برخی بافتهای کلامی، گوینده از زمان گذشته دستوری برای اشاره به آینده نزدیک استفاده می‌کند تا از این طریق قطعیت وقوع عمل از نظر او را نشان دهد. مانند زمانی که در پاسخ به شخصی که به در می‌کوبد، از عبارت «اومدم» استفاده می‌کند.

مثالهایی که ارائه گردید، تا حدی زمینه مطالعه حاضر را روشن می‌سازد. این تحقیق، سعی در شناخت و بررسی زوایای پنهان پدیده اشاره از نظر کاربرد شناختی دارد و در پی آن است که کاربردهای وسیع این عبارات را در زبان فارسی توصیف و تحلیل کند.

۱-۳ اهمیت و ارزش تحقیق

در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، تنها کاربرد شناسی است که عنصر انسان را در تحلیل‌های خود وارد می‌کند. مزیت مطالعه کاربردشناسی زبان این است که تحلیگر می‌تواند در مورد معنی مورد نظر افراد، اهداف، مقاصد و تصورات آنان به هنگام گفتار بحث کند. جذابیت حوزه کاربردشناسی بدین جهت می‌باشد که نشان می‌دهد چگونه مردم با به کارگیری زبان منظور یکدیگر را می‌فهمند، در حالی که به بسیاری از امور، نه به صورت مستقیم، بلکه تلویحی اشاره می‌شود.

بررسی عبارات اشاره‌ای نیز به عنوان یکی از ابعاد مهم زبانی از زمان یونان باستان مورد توجه دستور نویسندگان سستی قرار گرفته است و پس از آن نیز جنبه‌های کاربرد شناختی این پدیده، موضوع مطالعات وسیعی در زبانهای زیادی را به خود اختصاص داده است. عبارات اشاره‌ای در هر زبان، علی‌رغم تعداد اندک، نقش ارتباطی و معنایی مهمی را ایفا می‌کنند و از طرفی بررسی جنبه‌های کاربرد شناختی و کلامی این عبارات به دلیل ارتباطی که با فرهنگ و جامعه زبانی دارند، دارای مبانی نظری و فلسفی بوده و می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای در جهت بررسیهای آتی در این زمینه و حتی سایر شاخه‌های علوم شناختی و مطالعات بین رشته‌ای تلقی گردد.

از نگاه دیگر، می‌توان بررسی جنبه‌های کاربرد شناختی و دستوری عبارات اشاره‌ای را آینه‌ای برای ساختار عملکرد ذهن انسان دانست، که نقش مؤثری در آشکار ساختن قابلیت ذهن بشر در تسلط به نقش‌های کاربردی، اجتماعی و فرهنگی هر عنصر زبانی دارد.

۴-۱ اهداف تحقیق

بررسی و تحلیل جنبه‌های کاربرد شناختی عبارات اشاره‌ای در زبان فارسی و چگونگی به کارگیری این جنبه‌ها توسط سخنگویان فارسی زبان از اهداف این تحقیق می‌باشد. بسیاری از اطلاعاتی که در گفتار مردم منتقل می‌شود جنبه کاربرد شناختی داشته و به بافت موقعیتی و اجتماعی خاص مربوط می‌شود. از جمله اهداف این تحقیق، آشکار ساختن نقش عبارات اشاره‌ای در انتقال مفاهیم کاربرد شناختی وسیع در بافت موقعیتی است که دستور زبان قادر به توصیف و تبیین همه ابعاد آن نیست.

۵-۱ سؤالات تحقیق

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی زیر است:

- ۱- جنبه‌های دستوری و کاربرد شناختی پدیده اشاره در زبان فارسی چگونه است؟
- ۲- تا چه حد کاربرد عبارات اشاره‌ای جنبه فرهنگی و کلامی دارد؟

۶-۱ کاربرد نتایج تحقیق

نتایج این مطالعه می‌تواند در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد: از یافته‌های این تحقیق می‌توان در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و ایجاد مهارت‌های کلامی برای آنان بهره جست. علاوه بر این، مطالعه حاضر می‌تواند کاربرد مؤثری در مطالعات جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، قوم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی، روان‌شناسی و علوم شناختی و حتی حوزه‌های مختلف بین رشته‌ای از قبیل روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی رایانه‌ای داشته باشد.

یکی از علل ناکارآمدی برخی متون ترجمه‌ای، عدم توانایی آنها در انتقال همه ابعاد معنایی و منظوری موجود در پیام‌هاست و نتایج این تحقیق به عنوان پایه‌ای برای بررسی چگونگی انتقال این جنبه‌های کلامی تلقی می‌شود. در بررسی مشکلات افراد دارای عیوب ادراکی گفتار و یا کودکان عقب مانده ذهنی که در ایجاد ارتباط کلامی دارای نقص می‌باشند، مطالعات کاربرد شناختی از این دست، بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

۱-۷ سازمان‌دهی مطالب

این تحقیق مشتمل بر پنج فصل می‌باشد. فصل اول که از نظر گذشت، اطلاعاتی در زمینه کلیات تحقیق ارائه می‌دهد و به معرفی موضوع مورد مطالعه، اهمیت و کاربرد آن می‌پردازد. فصل دوم به طرح مبانی نظری و پیشینه تحقیق اختصاص دارد و سعی می‌شود، مهمترین دیدگاه‌های مطرح در حوزه مورد بحث، معرفی گردد. فصل سوم، روش تحقیق و شیوه تحلیل داده‌ها را ارائه می‌دهد. در فصل چهارم این پژوهش، پدیده اشاره در زبان فارسی از زاویه کاربردشناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد و داده‌های مختلف تحلیل می‌گردند و مشخص می‌شود که کاربرد عبارات اشاره‌ای تا چه حد جنبه فرهنگی و کلامی دارد. در فصل پنجم، نتایج و عصاره یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود و موضوعاتی که می‌تواند به عنوان بررسی‌های آتی در این امتداد صورت پذیرد، معرفی می‌گردد.

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۲ مقدمه

این فصل به ارائه مبانی نظری و پیشینه تحقیق اختصاص دارد. از آنجا که محدوده این پژوهش در حوزه کاربردشناسی قرار می‌گیرد، ابتدا نگاهی گذرا به منشأ و تغییرات اصطلاح کاربردشناسی خواهیم داشت و سپس پدیده اشاره و انواع آن از قبیل: شخصی، مکانی، زمانی، اجتماعی و کلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند. به دلیل ارتباط تنگاتنگ حوزه کاربردشناسی با بافت و همچنین وابستگی نزدیک بین پدیده اشاره و مقوله ارجاع، معرفی انواع بافت، شامل بافت زبانی، موقعیتی و فرهنگی و همچنین چارچوبهای مختلف ارجاع زمانی و مکانی لازم می‌نماید. موضوع اشاره در نقل قولهای غیر مستقیم نیز مطرح می‌گردد.

بخش پایانی این فصل، متوجه پیشینه تحقیق و ارائه مهمترین مطالعات در این حوزه است. مطالعات خارجی در قالب دیدگاه زبانشناختی انجام گرفته و رویکرد غالباً کاربردشناختی به موضوع اشاره دارند. مطالعات داخلی از دو دیدگاه متفاوت سنتی و نوین ارائه می‌شود.

۲-۲ منشأ اصطلاح «کاربرد شناسی»

کاربرد نوین اصطلاح «کاربرد شناسی» مربوط به فیلسوف بنام، چارلز موریس^۱ (۱۹۳۸) است که خطوط اصلی و طرح کلی علم نشانه‌ها^۲ و نشانه شناسی^۳ را بنیان نهاد. او سه شاخه متمایز تحقیق را معرفی نمود: نحو به عنوان مطالعه روابط صوری نشانه‌ها نسبت به یکدیگر، معنی شناسی به عنوان مطالعه روابط نشانه‌ها با اشیاء و کاربردشناسی به عنوان مطالعه روابط نشانه‌ها با تفسیرکنندگان آنها (۱۹۳۸: ۶). به عقیده موریس در هر شاخه علم نشانه شناسی باید به تمایز بین مطالعات محض و مطالعات توصیفی توجه نمود.

موریس اشاره می‌کند که اصوات^۴، جملات امری و عباراتی از قبیل «صبح به خیر!» ابزارهایی هستند که تنها تحت شرایط خاصی توسط کاربران زبان بیان می‌شوند. چنین مقولاتی امروزه نیز در حوزه کاربرد شناسی قرار می‌گیرند. اما از دیدگاه او کاربردشناسی تنها به بررسی این پدیده‌ها محدود نمی‌شود و دامنه آن به جنبه‌های زیستی نشانه شناسی از قبیل پدیده‌های روان شناختی، زیست شناختی و جامعه شناختی گسترش می‌یابد. مطمئناً چنین دامنه‌ای بسیار وسیعتر از آنچه می‌باشد، که امروزه تحت عنوان «کاربرد شناسی زبانی» مطرح است.

کارناپ^۵ (۱۹۳۸) دامنه کاربرد شناسی را در حوزه فلسفه تحلیلی محدودتر نمود. او با پذیرش تمایز سه گانه موریس، حوزه کاربرد شناسی را در ارتباط با سخنگویان یا به صورت کلی‌تر کاربران زبان معرفی نمود (۱۹۳۸: ۲). این عقیده که کاربرد شناسی مطالعه جنبه‌هایی از زبان است که نیازمند ارجاع به کاربران آن می‌باشد، به محدودیت دامنه فلسفه تحلیلی انجامید. یکی از جنبه‌های زبانهای طبیعی که بی شک نیازمند چنین ارجاعی است، کلمات اشاره‌ای از قبیل ضمائر «من» و «تو» می‌باشد. اهمیت این واژه‌ها از نظر فلسفی و به ویژه منطقی از این حیث است که می‌توانند دلیل عدم کارایی انگاره استدلال در برخی موارد را توضیح دهند. برای مثال: «من گرتا گاریو هستم، گرتا گاریو یک زن است، بنابراین من یک زن هستم»، تنها و الزاماً زمانی صادق خواهد بود که علاوه بر صدق دو قضیه^۶ نخست، گوینده بخش نتیجه^۷، گوینده گزاره اول نیز باشد (همان). بر این اساس بار-هیلل^۸ (۱۹۵۴) کاربرد شناسی را مطالعه زبانها اعم از طبیعی و ساختگی می‌داند که در بردارنده عبارات اشاره‌ای هستند که کالیش^۹ (۱۹۶۷) نیز این تعریف را به صراحت می‌پذیرد.

- 1 . Charles Morris
- 2 . science of signs
- 3 . semiotics
- 4 . interjections
- 5 . Carnap
- 6 . premise
- 7 . conclusion
- 8 . Bar - Hillel
- 9 . Kalish